

ادامه از صفحه اول

آیاترأمب ماندنی است؟

ترأمب همین‌طور در مسیر استیضاح یا استعفا پیش می‌رود و جامعه آمریکا در ابعاد سیاسی و اجتماعی به اندازه کافی به حساب او می‌رسد. پس ایران نباید برای ترأمب روزنه نجات شود. البته موضوع توافق هسته‌ای به صورت استخوان در گلو درآمده است. ترأمب نه می‌تواند این توافق را برهم بزند و نه می‌تواند با تحریم‌های موازی ایران را عصبانی کند تا ایران آن را نقض کند و نه می‌تواند با بیرون‌آمدن از برجام، ایران را غافلگیر کند. دولت ترأمب سعی می‌کند با طرح بازبید از سایت‌های نظامی، مقدمات عدم پابیندی ایران به برجام را فراهم کند. ایران با تلاش‌های دیپلماتیک می‌تواند بر این مشکل فائق آید و زمان بخرد تا افق روشن شود و در این راه کشورهای اتحادیه اروپا همراه ایران خواهند بود.

مرد روزهای خردادی

تا اینکه یکباره مردی در برابر ما ظاهر می‌شود با صورتی که نیمی از آن را باند سفیدی پوشانده است و مجری تلویزیون بدون هیچ احساس همدردی که نشان از مسئولیت‌پذیری او باشد در امر خبر، از علیرضا رجایی می‌گوید. از مردی منزّه که دیگر نیمی از صورت وی کره چشمش وجود ندارد و اینک باید با صورتی نیمه، زندگی نیمه‌هکاره خود را نظاره کند. کاش باز خردادی می‌آمد و هوای خردادی. باز علیرضا رجایی کیف سامسونت به‌دست‌از در تحریریه وارد می‌شد و با لبخندی بر لب خطاب به همکارانش می‌گفت: ببخشید دیر آمدم! باز نگاهش می‌کردم. کشیده و قدبلند. آرام و متواضع از همان دور به فراستخواه سلامی می‌کرد و سری برای ما تکان می‌داد. بعد، در کفش را باز می‌کرد و ما سرک می‌کشیدیم تا کتاب تازه‌ای را ببینیم که او در حال خواندنش بود. آن روزها در حال‌وهوای خردادی علیرضا رجایی نگاه‌ی عمیق به سیاست داشت و تسلیم آن تپونات سیاسی نمی‌شد و دست‌از خواندن برنمی‌داشت. حضور شخصیت‌هایی همچون او در تحریریه روزنامه‌های آن دوران، ماجرا را سراسر تغییر داد. روزنامه‌ها در آن ایام از کاغذهایی با مصرف روزانه، به برگه‌هایی تعیین‌کننده بدل شدند که تا جر بسیار، معیار مردم و نبض جامعه بودند. پیوند اکادمی و ژورنالیسم و حیات دیگر مطبوعات آن دوران ماحصل طرز نگاه و کردار همین انسان‌های چندساحتی بود... اینک از پس این سالیان باز تصویر تلخ علیرضا رجایی است که می‌آید تا خواب ما را آرتخته‌اش سازد. کاش او برای لحظه‌ای، نه با صورتی چنین محزون، روبرو می‌ما می‌ایستاد و مانند قدیم لبخند می‌زد. مگر نمی‌داند که ما چشم‌به‌راه مردی هستیم که از هرچیز بد منزّه است.

ادامه از صفحه ۷

استادی که مریدپروری نکرد

دکتر جعفر جعفری‌لنگرودی و دکترسیدحسین صفایی) به طور پیوسته و همیشه در تمام تالیفات و ارجاعات خود ادب و احترام و اخلاق و حرمت‌گزاری تمام را نسبت به نامردگان به شایستگی ادا کرد و حق قلم را ایفا و حق حقوق را پاس داشت و بنا به قول یکی از شاگردان آن مرحوم که در دانشگاه، استاد نویسنده این سطور بوده است: حقوق را در تمامی شئون زندگی حتی در کوچک‌ترین و ساده‌ترین و بلکه پیش از افتاده‌ترین موضوعات و مسائل آن را رعایت و خود را مقید دانستنت تا ذره‌ای از این حصار و حریم حق عدول نکنند و باوجود اختلاف‌رهای علمی بسیار، قطره‌ای کینه‌ورزی و بی‌اخلاقی و ناجوانمردانه‌ی در دربار معرفت و منش و ادب و اخلاق و فروتنی و دانش علمی ایشان راه نیافت. از دیگر تأثیرات اخلاقی این دانشمند حقوق باید به‌تربیت دانشجویان بی‌شمار اشاره کرد که در شرایط گاه نامهمگون و نامساعد با تمام مشکلاتی که ایشان در طول حیات داشتند، هیچ‌گاه این موارد مانعی برای ارتباط و اتصال ایشان با جامعه دانشگاهی نشد و افزون بر این تالیفات و آثار استاد کاتوزیان درعین تنوع و گوناگونی که بیشتر متفاوت از آرای پیشینیان و علمای سلف (در اغلب موارد با استناد و اتکا به دیدگاه‌های پیشینیان) به سبک و شیوای نوین و امروزی نگارش یافته است، باید اشاره کرد. همچنین باید به ذکر ویژگی قلم و نثر این حقوق‌دان بپردازم که در تالیف، این نویسنده از منطق ذهنی و ذهن منطقی منسجم و ساختارمند برخوردار است. کتاب یکانه فلسفه حقوق در سه جلد از تالیفات مهم و مؤثر دکتر کاتوزیان، شاهدی برای اخلاق‌مداری و زیست اخلاقی فاخر و فحیم حقوق‌دان ما در راستای احق و حقیقت و عدل و عدالت است. این اثر که در سراسر حقوق اسلامی ایران همچنان نظیرش به وجود نیامده است و ۳۰ سال از عمر پرپرکت کاتوزیان را به خود اختصاص داده است، یکی از همین موارد یادشده است، اما باید به عقیده بنده شناسنامه تالیفات استاد، کتاب ارجمند و البته ارزشمند قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی است، چنان‌که اگر در بیکره نظم و برقراری و ثبات آن در جامعه، قانون مدنی را که استخوان و ستون فقرات قانون در تجلی روابط و تعاملات مردم در جامعه بدانیم، کتاب مذکور را باید عضله‌ها و ماهیچه‌ها و بازوان قدرتمند این اندام به حساب بیاوریم.

politics@sharghdaily.ir

سیاست

دبیرکل کارگزاران:

روحانی را نه با حجاریان مقایسه کنید، نه با حسین شریعتمداری

مئل دوران مبارزات انتخاباتی شعار دده». کرباسچی با اشاره به اینکه حتی رئیس دولت اصلاحات نیز در دوران ریاست‌جمهوری مثل دوران انتخابات سخن نمی‌گفت، افزود: «انتخابات شرایط سیاسی کشور را حساس می‌کند و همه از ایده‌آل‌ها صحبت می‌کنند، اما زمان اجرا که می‌رسد باید با مسائل به‌صورت واقعی و به‌دور از شعار برخورد کرد». این‌ فعال سیاسی اصلاح‌طلب در ادامه با بیان اینکه همه می‌خواهند رشد اقتصادی کشور بالای هشت درصد باشد و نرخ بی‌کاری نیز به صفر برسد، گفت: «انتظار درستی نیست که بگویم آقای رئیس‌جمهور در نخستین مصاحبه زنده، ایده‌آلی سخن بگوید، او باید همان‌طورکه عمل کرد، آمار واقعی را ارائه و شرایط کشور را برای مردم تشریح کند».

آخرین وضعیت درمان علیرضا رجایی

محرومیت از فعالیت اجتماعی محکوم شد و بیش از شش ماه در بازداشت بود. بعد از شش ماه گذراندن دوران حبس و پس از قطعی‌شدن حکم در زمان اجرای حکم، رجایی از زندان به مرخصی آمد. طبق آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور دوران مرخصی، جزء دوران محکومیت به‌حساب می‌آید و زندانی وضعیتی غیر از حبس و فرار ندارد. رجایی تا سال ۹۰ بیرون از زندان بود و با احتساب مرخصی، حکم خود را سپری کرده بود. بااین‌حال یکباره به تاریخ اردیبهشت سال ۹۰ بازداشت شد. رجایی در حالی بازداشت شد که همچنان عضو انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران بود و البته این انجمن هم در همان روزهای نخست بازداشت در نامه‌ای خواستار رسیدگی به وضعیت رجایی شده بود. رجایی علوم سیاسی خوانده و در تحریریه روزنامه‌های دوم‌خردادی از جمله نشاط و عصر آزادگان و خرداد قلم زده است. در همان ایام که هزمان با انتخابات مجلس ششم بود، نام علیرضا رجایی در فهرست جریان دوم خرداد از تهران قرار داشت. او نفر بیست‌وهشتمی بود که می‌توانست وارد مجلس شود. اما در این دوره از انتخابات به درخواست شورای نگهبان، ۵۳۴ صندوق یعنی بیش از ۷۰۰ هزار رأی از نزدیک به سه میلیون کل آرای تهران باطل اعلام شد و بعد از بازشماری نام رجایی از فهرست اولیه منتخب حذف شده بود و حداعادل اضافه شد. علیرضا رجایی متولد مهر ۱۳۴۱ است. همسرش به همراه دو فرزندش دور از او در خارج از کشور به سر می‌زند و خودش هم روی تخت بیمارستان در شرایطی که ملاقات‌کنندگان سخت توصیف کرده‌اند، روزها را سپری می‌کند، اما با روحیه‌ای خوب.

سیدحسن خمینی:

مشکل ما فقدان فرهنگ کار جمعی است

جماران؛ حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی در دیدار جمعی از مدیران اتاق‌ها، اتحادیه‌ها و تعاونی‌های سراسر کشور که در اولین روز هفته تعاون در حرم مطهر امام خمینی(ره) برگزار شد، در سخنانی با بیان حدیثی از حضرت علی(ع) که فرموده‌اند «طَلَبُ التَّعَاوُنِ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ دَيَانَةٌ وَأَمَانَةٌ» که نتیجه بیشترین راه هم دربر دارد. طبیعی است وقتی کار گروهی فرهنگی لازم را نداشته باشد، افراد به‌سوی کار فردی می‌روند و اعتقاد پیدا می‌کنند که سود کار فردی بیشتر است.او علل توفیق‌نداشتن برخی اقتصادهای سوسیالیستی در جهان تأکید کرد. سیدحسن خمینی با اشاره به اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند آلمان و ژاپن، ادامه داد: این اقتصادها نتیجه کار گروهی و دست و دست هم دادن جامعه و نتیجه فرهنگی است که انسان‌ها بتوانند مشکلات جمع را مشکلات خودشان ببینند و هم‌دلانه و با هم زندگی کنند. یادگار گرامی امام گفت: این موضوعات فقط با سخن‌گفتن تحقق پیدا نمی‌کند بلکه محتاج یک تربیت ملی و فرایندی است که از کودکی و نوجوانی شروع می‌شود. البته نسل‌های جدید در این زمینه کارهای بزرگ‌تری را کرده‌اند و امروز جامعه برای کار تعاونی آماده‌تر از گذشته است. سیدحسن خمینی در پایان این مراسم یک بار دیگر حادثه واژگونی اتوبوس دختران دانش‌آموز هرمزگانی را به خانواده‌های درگذشتگان تسلیت گفت و برای آنها طلب صبر کرد. جمعی از مدیران اتاق‌ها، اتحادیه‌ها و تعاونی‌های سراسر کشور در اولین روز از هفته تعاون، صبح روز گذشته با حضور در حرم مطهر امام خمینی(ره)، با آرمان‌های ایشان تجدید میثاق کردند.



در آینده نزدیک مجددا علاقه‌مندان علیرضا بتوانند از حضور و فکر و اندیشه ایشان بهره‌مند شوند. محمدحسین کربویی هم سلام مخصوص و آرزوی سلامتی و بهبودی برای علیرضا رجایی را از طرف پدرش ابلاغ کرد. **سرگذشت یک روزنامه‌نگار** علیرضا رجایی از جمله روزنامه‌نگاران و فعالان جریان ملی مذهبی است که از اردیبهشت سال ۹۰ بازداشت شد و تا سال ۹۴ در حبس بود. رجایی از چهره‌هایی بود که بعد از ماجرای کنفرانس برلین در سال ۷۹ بازداشت شد. در آن مقطع چهره‌های زیادی از فعالان ملی مذهبی بازداشت شدند. بعد از آن دادگاهی به تاریخ سال ۸۱، به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به چهار سال حبس و ۱۰ سال

وزیر امور خارجه تشریح کرد

نقشه راه دیپلماسی در ۴ سال آینده

وزارت خارجه در دولت دوازدهم دو ابراولویت خواهد داشت: یکی بحث «اقتصاد» و دیگری بحث «همسایگان» است که این دو را در دو معاونت به نام‌های «معاونت سیاسی» و «معاونت اقتصادی» ایجاد کردیم». جواد طریف با اعلام این دو ابراولویت در وزارت خارجه دولت دوازدهم، تأکید کرد که «برجام کمان‌دان اولویت جمهوری اسلامی ایران است». طریف که به مناسبت هفته دولت با پایگاه اطلاع‌رسانی دولت گفت‌وگو می‌کرد، در مورد استراتژی چهارسال آینده دستگاه دیپلماسی گفت: «ما یک روابط خارجی متوازن داشتیم، در دنیای امروز ما نمی‌توانیم یک تک‌رش به یک قسمت از دنیا داشته باشیم و باقی را فراموش کنیم. سیاست بین‌المللی، سیاست جهانی‌شده است، سیاست ما تعامل گسترده با همه جهان است». وزیر خارجه اضافه کرد: «در دولت یازدهم بیشترین رفت‌وآمدهای ما با همسایگان و کشورهای آسیایی بوده و درواقع یک روابط خارجی متوازن داشتیم. شاید یکی از عواملی که این تصور ایجاد شده که دولت یازدهم تمرکزش روی اروپا و آمریکا بوده این است که در دوره‌های قبل تنها رفت‌وآمد ایران با کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین و در حد بسیار کمی با کشورهای منطقه‌ای و آسیایی بوده و تقریبا هیچ رفت‌وآمدی با کشورهای اروپایی نبوده است و در دولت یازدهم که این ارتباطات فراگیر شده، برای برخی تصورات اشتباه ایجاد شده است. همان تمرکز که به همسایگان و آسیا و آمریکای لاتین داشتیم، بر کشورهای صنعتی و اروپایی هم داشتیم. در مراسم تحلیف سال ۹۲ تقریبا ما هیچ نماینده‌ای از اروپا نداشتیم. این‌بار تعداد نمایندگانی که از اروپا داشتیم معادل تعداد نمایندگانی بود که از آسیا داشتیم. تعداد سفارت‌های بنده و سفراهای ریاست محترم جمهوری و همچنین تعداد سفرهایی که به ایران شده نشان‌دهنده

نکته



ما یک روابط خارجی متوازن داشتیم. در دنیای امروز ما نمی‌توانیم یک تک‌رش به یک قسمت از دنیا داشته باشیم و باقی را فراموش کنیم. سیاست ما تعامل گسترده با همه جهان است

سیاسی و اقتصادی به این شکلی که ما داریم طراحی می‌کنیم هیچ‌گاه وجود نداشته است. ما در یک دوره‌ای ساختار معاونت‌های منطقه‌ای و معاونت اقتصادی داشتیم و در یک دوره هم یک معاونت سیاسی داشتیم که درواقع همان جمع‌ب معاونت‌های منطقه‌ای بود. الان این‌طور نیست: درحال‌حاضر معاونت سیاسی ما مثل معاونت اقتصادی در دو معاونت موضوعی هستند و بعد ادارات کل منطقه‌ای زیر نظر وزیر هستند که مستقیما با هر دو معاونت کار می‌کنند. هیچ‌گاه در گذشته چنین شکلی را نداشتیم و به همین دلیل بوده است که همیشه بین مدیریت منطقه‌ای‌محور و مدیریت موضوعی‌محور می‌توانسته برخی اختلافات در حوزه‌های کاری پیدا شود که امیدوار هستیم با این طراحی‌ای که بعد از بررسی‌های فراوان صورت گرفته است ان‌شالله بتوانند هم‌افزایی داشته باشند».

ادامه از صفحه ۷

مرگ کودتاجی

رضا افشار نماینده مجلس شورا در پشت تریبون مجلس به این‌گونه برکناری زاهدی از پست نخست‌وزیری اعتراض کرد: «برخلاف قانون اساسی زاهدی را مجبور به استعفا کرده‌اند!». در همان‌روزها زاهدی که در آلمان بود، استعفاى خود را تلگرافی به شاه اطلاع داد و برحسب توافق قبلی، به دستور شاه، فرمان سفارت ایران در دفتر اروپایی سازمان ملل برای او ارسال شد. زاهدی سپس رهسپار ژنو شد و ریاست دفتر نمایندگی دائم ایران در مقر اروپایی سازمان ملل را برعهده گرفت. او تا پایان عمر خود، به جز یک هفته که آن هم برای شرکت در مراسم ازدواج پسرش با شهنواز پهلوی در سال ۱۳۳۶ به تهران آمد، اجازه ورود به کشور را نداشت. فردوست می‌گوید: «زاهدی پس از برکناری تا ۱۳۳۷ در ژنو ماند. سپس پیرو بعضی وعده‌های طرفدارانش برای صعود مجدد در مناصب دولتی به تهران آمد. اما مخالفت شاه با واگذاری اختیارات بیشتر به وی سبب بازگشت مجدد او به ژنو شد».

واکنش‌ها به مرگ زاهدی

وقتی خبر مرگ زاهدی رسید، اسدالله علم نخست‌وزیر وقت، ابتکار عمل را در دست گرفت و اعلامیه‌ای صادر کرد. در بیانیه اسدالله علم آمده بود: «با کمال تأسف و تأثر به اطلاع هم‌وطنان عزیز می‌رساند که بنا بر گزارشی که امروز از ژنو رسیده است، شب گذشته تیمسار سپهبد زاهدی نخست‌وزیر سابق ایران که در لحظات حساس تاریخ مملکت در راه خدمت به شاهنشاه و ملت و وطن خود فداکاری و جانبازی کرد، زندگی را بدرود گفته است. چگونگی حمل جنازه آن سرباز فقید و برگزاری مجلس یادبود طی اعلامیه دیگری به اطلاع ملت ایران خواهد رسید. نخست‌وزیر اسدالله علم»، روزنامه اطلاعات درباره زاهدی نوشت: «دوره نخست‌وزیری سپهبد زاهدی از تاریخ ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ تا هفدهم فروردین ۱۳۳۴ که به علت کسالت کناره‌گیری کرد به طول انجامید و از آن تاریخ به‌عنوان سفیر فوق‌العاده دولت در اروپا به سر می‌برد». کیهان هم خبر داده بود که اردشیر زاهدی به هنگام درگذشت پدر بر بالین او بوده است: «مرحوم سپهبد فضل‌الله زاهدی که با کمال تأسف خبر درگذشت ایشان را در اعلامیه دولت دادیم، از چند سال قبل مبتلا به بیماری قلبی بود و چندین بار سکنه قلبی کرد و توقف ایشان در ژنو به‌عنوان سفیرکبیر و نماینده ایران در دفتر اروپایی سازمان ملل تا حدی نیز برای معالجه و استراحت بود.

بیماری سپهبد زاهدی از یکی، دو هفته پیش مجددا شدت یافت و به همین جهت آقای مهندس اردشیر زاهدی سفیرکبیر ایران در لندن برای دیدار پدر خود به ژنو رفت و دیشب، هنگام درگذشت سپهبد زاهدی، بر بالین پدر خود بود. درگذشت سپهبد زاهدی بر اثر همان بیماری قلبی بود و جنازه آن مرحوم قرار است با تشریفات خاصی به تهران حمل شود».

پیکر سپهبد زاهدی ۱۶ شهریورماه ۱۳۴۲ با هواپیما به ایران منتقل شد. بامداد روز بعد، مسجد سپهسالار تهران شاهد مراسمی رسمی با حضور شاهپور غلامرضا به نمایندگی از طرف شاه، اردشیر زاهدی و خانواده متوفی، اسدالله علم نخست‌وزیر، اعضای هیئت دولت و امرای ارتش بود که در جریان آن، جنازه نخست‌وزیر اسبق ایران تشییع و در آرامگاه خاندان زاهدی در امامزاده عبدالله تهران به خاک سپرده شد.

روایت دانشجویان از استاد

در آن زمان من از این حرف ناراحت شدم، ولی بعدها که وارد دروس حقوق مدنی شدیم و به خصوص در دروس مربوط به وصیت که با ایشان گذراندم، مباحث مربوط به مبنای علم حقوق بسیار به کار ما آمد و در آنجا علت سختگیری ایشان را متوجه شدم. نیکبخت با اشاره به اینکه یکی از ویژگی‌های بارز دکتر کاتوزیان که کمتر در دیگر استادان وجود داشت، این بود که زبان عربی ایشان بسیار خوب بود، گفته است: «دکتر کاتوزیان چون عربی می‌دانست و در زمینه فقه نیز مطالعه داشت و به زبان فرانسوی و انگلیسی نیز آشنا بود، در حقوق مدنی تطبیقی بسیار مسلط‌تر از سایر استادان حقوق ظاهر می‌شد. مبنای تدریس ایشان در حقوق مدنی کتاب‌های دکتر سیدحسن امامی بود و بسیار به ایشان ایمان و ارادت داشت. استاد کاتوزیان به معنای واقعی کلمه حقوق تطبیقی را در درس می‌داد که یک نمونه خاص در دانشکده حقوق محسوب می‌شد». نیکبخت در ادامه گفته است: «دورانی که ما وارد دانشگاه شدیم، دوران تضاد دو نسل در دانشگاه تهران بود که دکتر کاتوزیان و دکتر آرمایش از جمله معروف‌ترین‌های نسل جدید بودند و استادانی مانند دکتر سیدحسن امامی، دکتر پات و دکتر علی‌آبادی از جمله استادان نسل گذشته محسوب می‌شدند. ازاین‌رو با توجه به دوران خاص حاکم بر ایران، گاهی تضادهایی در واکنش استادانی به اتفاقاتی که در ایران می‌افتاد، وجود داشت. در این بین دکتر کاتوزیان شخصیت سیاسی نبود ولی نسبت به رویدادها واکنش نشان می‌داد و مسئولیت اجتماعی بالایی داشت».